



انداختن داعش به جان مردم عراق پرده دیگری از جنگ تروریست ها!

صفحه ۲

آذر ماجدی



سوء استفاده جنسی از کودکان، دولت و عمله و اکره آن!

صفحه ۴

شela نوری



بربریت اسلامی! زنان و سناریوی سیاه!

صفحه ۶

سیاوش دانشپور

مثله کودکان در سوئد!

ترجمه: ستاره

بیانیه سازمان آزادی زن

حجاب سر درد رژیم اسلامی

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



آذر ماجدی

انداختن داعش به جان مردم عراق پرده دیگری از جنگ تروریست‌ها!

افتاده اند و مانع از ایجاد یک ثبات و شرایط صلح در منطقه هستند. گروه تروریستی داعش که دو سه سال پیش توسط آمریکا تعلیم داده شد تا در مقابل رژیم بشار اسد مقاومت کند، اکنون با حمایت کامل عربستان سعودی و قطر، نیروهای گوش بفرمان آمریکا، از سوریه به عراق حمله آور شده اند و مدعی حکومت اسلامی شام و بغداد هستند.

همانند اجداد اسلامیشان هیچکس از سببیت آنها خلاصی ندارد. اگر اجداد اسلامی همه را از دم تیغ شمشیر رد می کردند، این ارادل و اوباش با برخورداری از مدرنترین سلاح های کشتار فردی و جمعی بجان مردم افتاده اند. مانند اجدادشان از مفتوحین خراج و کنیز و برده می گیرند. بانک ها را غارت کرده اند؛ از هر خانواده ای طلب یک دختر برای نکاح اسلامی کرده اند و در صورت مقاومت خانواده بخت برگشته، تمام خانواده را در یک ضرب کشتار می کنند. در هر جایی که پا محکم کرده اند قانون شریعه را کاملاً پیاده می کنند و در مناطقی که هنوز کاملاً تثبیت نشده اند، بمیزانی که زورشان می رسد، شریعت اسلام را بر سر مردم خراب می کنند.

ما پس از 11 سپتامبر 2001 اعلام کردیم که دنیای پس از یازده سپتامبر* بسیار وحشتناک خواهد شد مگر آنکه در مقابل جنگ تروریستها بایستیم. گفتیم که صحنه دنیا فقط در دست دو قطب تروریستی نیست؛ قطب سومی نیز وجود دارد که تنها نیرویی است که پتانسیل بیرون راندن این جانین از صحنه را داراست: قطب بشریت

اوضاع بحرانی جامعه عراق سرها را بسوی عراق چرخانده است. حمله جریان تروریستی اسلامی داعش به عراق به همراه تعدادی گروه های تروریست اسلامی دیگر و هواداران حزب بعث یک فاجعه عظیم انسانی در عراق آفریده است. تصاویر اجساد به خاک افتاده، سرهای بریده شده و تیرباران های دستجمعی در رسانه ها منتشر شده است. قلبها در سینه ها حبس گشته است. یک سوال در گشت و گذار است: "آیا مردم عراق نفرین شده اند؟" اکنون بیش از دو دهه است که با اولین حمله آمریکا و موثلفینش به عراق و سپس تحریم اقتصادی و پس از آن حمله دوم آمریکا و بریتانیا به عراق در سال 2003 جامعه عراق در یک کابوس جانگناه زندگی می کند. بیش از یک میلیون کشته، تعداد بیشتری آواره، دامن زدن به یک جنگ سکتی و دسته بندی مردم به "شیعه"، "سنی"، "کرد" و "عرب" و ایجاد و تشدید نفرت ملی، قومی و مذهبی فاکتورهای یک سناریوی سیاه است که مانند بختکی بر جامعه عراق تحمیل شده است. پیش از حمله داعش نیز مردم عراق یک شب خواب آرام نداشتند؛ روزی نبود که دو سه بمب در گوشه و کنار منفجر نشود و تعدادی کشته و معلول بجای نگذارد. اما اکنون با پرده آخر فاجعه جنگ تروریستها، تروریسم اسلامی و دولتی بسرکردگی آمریکا، دنیا برای چند میلیون انسان بخت برگشته تاریکتر و سیاه تر شده است.

خاورمیانه همواره یک کانون بحران بوده است. جنگ اسرائیل علیه مردم فلسطین این منطقه را چندین دهه است که به کام جنگ و بحران کشیده است. با سقوط شوروی این بحران تشدید شد. و در چند سال اخیر با اوجگیری اعتراضات و خیزش انقلابی مردم حق طلب در خاورمیانه و شمال آفریقا دو قطب تروریستی وحشیانه تر بجان هم

آزادیخواه و متمدن. این بشریت هنوز در صحنه است؛ هنوز می خواهد که این کشتار و خونریزی و بربریت را متوقف کند، اما یک نیروی قوی و با بصیرت، مسئول و انقلابی لازم است تا آنرا بسیج و سازماندهی کند. اگر در سال 2001 زمان حمله آمریکا و غرب به افغانستان دنیا بر این توهم بود که آمریکا و غرب می توانند به تروریسم و جنگ تروریستی خاتمه دهند و ما هشدار دادیم که این جنگ علیه تروریسم نیست، بلکه جنگ دو قطب تروریسم است؛ اکنون پس از سیزده سال جنگ و خونریزی، کشته شدن بیش از یک میلیون انسان در این جنگ تروریستی، رخت بر بستن هر ثبات و آرامشی از منطقه، حاکمیت خفقان، اختناق و سانسور و کنترل پلیسی نه فقط در خاورمیانه و آفریقا، بلکه در اروپا و آمریکا بر کودکان ناظر این شرایط هم ثابت شده است که پاسخ نه کف زدن برای یکی از این دو قطب، بلکه بپا خاستن علیه هر دو و برافراشتن پرچم آزادیخواهی، برابری طلبی، تمدن و سکولاریسم در سراسر جهان است. این پاسخ روشن است. باید برای بسیج و سازماندهی این ناظرین خاموش یا مستاصل بمیدان آمد.

در زمان حمله داعش به عراق و راه اندازی بساط خون و خونریزی اسلامی، از یک نشریه ای که امر اصلیش آزادی و برابری زنان است انتظار می رود که در محکوم کردن خشونت علیه زنان بنویسد. راستش در این تراژدی انسانی و گسترده نمی توان صرفاً بر یک گروه از جامعه تمرکز کرد. نمی توان فقط "قربانیان خود" را شمرد؛ نمی توان

و دختر بچه ها را در موقعیت کنیز حلقه بگوش در خواهند آورد. باید این جانیان را از صحنه بیرون کرد. باید با تمام قوا از مردم بخت برگشته عراق در مقابل این جانیان و جانیان دیگری که بر آنها حکومت می رانند حمایت کرد؛ باید بکوشیم تا بشریت آزادیخواه و متمدن را در مقابل دو قطب تروریستی بمیدان بیاوریم. تا زمانی که این بشریت متشکل و متحد بمیدان نیاید، دنیا بدست این دو قطب هیولایی دریده خواهد شد.

* منصور حکمت، دنیا پس از 11 سپتامبر.

انداختن داعش به جان مردم عراق پرده دیگری از جنگ تروریست ها ...

زجر و بدبختی، سرکوب و خشونت را بر ترازو نهاد؛ نمی توان اشاره ای گذرا به کل حمام خون کرد و سپس در وصف "صنف، گروه یا سکت" خود سخن گفت. جنایت علیه زنان فقط سنگسارشان نیست، سر بریدن پسر بچه یا نوجوان برای زن مادر اگر نه بیشتر بهمان میزان دردناک است؛ از هم پاشیده شدن خانواده؛ فقر و فلاکتی که بر سر خانواده و جامعه خراب شده است، همه جانکاه و شدیداً دردناک است.

اما تا آنجا که به تروریسم اسلامی مربوط می شود، می توان مشاهده کرد که چگونه علیرغم اختلافات سیاسی و مالی و غیره در یک چیز شریک اند: برافراشتن بیرق زن ستیزی، به بردگی کشاندن زنان و تلاش برای برقرار کردن کلام زن ستیزانه خدا و پیغمبرشان بر زمین. رژیم اسلامی، طالبان، سومالی، سودان، لیبی، نیجریه و حال تراژدی داعش نشان می دهد که اگر مقاومت در مقابل این ارازل و اوباش نباشد، زنان

تسلیت

در کمال ناسف با خبر شدیم که خانم رعنا نوری مادر عزیز چیمین دارابی، عضو شورای مرکزی سازمان آزادی زن، درگذشته است. بدینوسیله به چیمین عزیز و خانواده او از صمیم قلب تسلیت می گوئیم.

سازمان آزادی زن

زن کشی در دنیای امروز

در قرن بیست و یک هنوز دارند زنی را بخاطر اینکه همسرش را خود انتخاب کرده است در روز روشن در شلوغی خیابان های لاهور سنگسار می کنند، دختر و پسری که همدیگر را دوست دارند در افغانستان تیرباران می کنند، در ایران پدری دخترش را پس از آزاد شدن از دست اوباش اسلامی با چاقو سر می برد، در کردستان عراق یک نوجوان 15 ساله توسط باصطلاح همسر پدوفیل 45 ساله اش مثله می شود و در هند دو دختر بچه 14 و 15 ساله مورد تجاوز گروهی قرار می گیرند و حلق آویز می شوند.

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت

تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

KMTV

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!



شهلا نوری

سوء استفاده جنسی از کودکان، دولت و عمله و اکره آن!

راحت تر از مواجهه با آن بود. آنوقت همه تلاش می کردند تا کل مسئله به فراموشی سپرده شود و تنها اقدام، طرد فرد متهم از خانواده بود.

هنوز هم کم نیستند خانواده هایی که خوشبختانه از نزدیک با فاجعه کودک آزاری روبرو نشده اند. این دسته اگرچه با معضل کودک آزاری و خطر تجاوز به کودکان در جامعه آشنایی دارند اما دچار نوعی خوشخیالی اند. آنها فکر میکنند این مشکل و خطری است که عمداً کودکان کارتون خواب و کودکان کار را تهدید میکند. لذا دچار یک نوع لاقیدی در قبال امنیت کودک و معضل کودک آزاری در جامعه میشوند. اما وقتی "شتر دم در خانه خودشان نشست"، دیگر لاقیدی جایز نیست.

باید امیدوار بود که جامعه و گروه های مختلف اجتماعی با پدیده کودک آزاری و عواقب پیچیده آن مسئولانه تر برخورد کنند! امنیت و سلامت و رفاه و حقوق کودک یک اولویت هر جامعه است. دفاع از حقوق و آزادی و امنیت کودک امر جنبشهای اجتماعی پیشرو است.*

1 جولای 2014

در باره فاجعه تجاوز به کودکان در مدارس، حراست کل آموزش و پرورش دستور داده که "بهتر است خانواده ها موضوع را پیگیری نکنند، چون چنین اتفاقاتی در آموزش و پرورش می افتد!" قوانین این حکومت که برگرفته از شریعت اسلام است درخود ضد حقوق کودک و مجوزی است در دست دولت و عمله و اکره آن برای آزار کودک و تعرض جنسی به کودکان در محیط آموزشی و تربیتی!

تا آنجا که به برخورد افراد خانواده در مواجهه با موضوع آزار جنسی کودکان برمیگردد، فرهنگ "هیس، بچه مبادا برای کسی تعریف کنی" تنها برخوردی بود که کودک با آن روبرو میگردید! پدر و مادر متأثر از فرهنگ اسلامزده، توان شکستن این تابوی وحشتناک را نداشتند. خصوصاً زمانی که فرد متجاوز و پدوفیل یکی از نزدیکان خانواده بود. عدم توانایی تفکیک مسئله پدوفیلی از "گناه کبیره" از یکطرف و "بدنامی" کودک و "ننگی" که او باید تا آخر عمر با خود حمل کند از طرف دیگر، فضای فاجعه آمیزی را در خانواده بوجود می آورد. در بسیاری از مواقع پنهان کاری، به فراموشی سپردن و فرار از مسئله

دو هفته قبل اخبار تجاوز به کودکان در دو مدرسه تهران به رسانه ها کشیده شد. ناظم یک مدرسه پس از محاکمه غیر علنی در دادگاه کیفری تهران محاکمه و روانه زندان شد. اما هیچگونه خبری از اتفاقات مربوط به دیگر مدرسه مورد اتهام درج نشد.

معاون فرهنگی آموزش و پرورش در کمال وقاحت اسلامی گفته بود: "فعلاً نظام مدرسه در معرض اتهام است و بهتر است موضوع را آب و تاب ندهیم". البته لاپوشانی کردن چنین مواردی در مقایسه با بی تفاوتی عمله اکره حکومت اسلامی نسبت به دیگر معضلات جدی جامعه ایران، که میلیونها جوان و نوجوان آن با اعتیاد به مواد مخدر مخصوصاً مواد صنعتی جدید درگیر هستند، پدیده نوظهوری نیست! ایران بهشت برین پدوفیلهای اسلامی است! تا آنجا که به سابقه پدوفیلیسم و شکار طمعه بدون دردمر برمیگردد، سننا مکتب خانه های اسلامی و مدارس فیضیه محلی مناسب جهت سوء استفاده جنسی از کودکان و جوانان بوده است. نه فقط آزار و تجاوز جنسی به کودکان هرگز دغدغه رژیم اسلامی نبوده و نیست، بلکه این حکومت راساً برای کودک آزاری تلاش قانونی میکند. یکمورد قوانین مربوط به ازدواج کودک و لایحه "حمایت از کودک" است. طبق تبصره ماده 27 این لایحه، به سرپرست در صورت صلاحدید دادگاه اجازه ازدواج با فرزند خوانده اش را می دهد. یکمورد دیگر فاجعه تجاوز به کودکان در مدارس است. اگر این اتفاق در هر جای دیگر دنیا افتاده بود به یک اسکندال بزرگ و دستکم به جابجائی روسا و مسئولین منجر میشد. در ایران اما سیاست سرپوش گذاشتن روی واقعه و خط زدن صورت مسئله دنبال میشود. حراست آموزش و پرورش وقیحانه تهدید هم میکند! بدنبال اعتراض و پرس و جوی خانواده ها

**زننده باد اعتراض گسترده زنان
علیه حجاب و آپارتاید جنسی!**

اسلام ضد زن است!

این دو قاره امروز مثله شده اند. این جنایت نه تنها با پایه ای ترین حقوق انسان در مغایرت است بلکه باعث مرگ و میر بیش از یک میلیون زن مثله شده و مرگ کودکان آنها در حین تولد می شود. مهم نیست که ریشه این جنایت به زمان هرودت برمیگردد یا نه مهم بررسی علل تداوم آن و ریشه کن کردن آن است!

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، سیاوش دانشور

مثله کودکان در سوئد!

ترجمه: ستاره

ختنه، عمل مثله دختران از سال 1982 جرم محسوب می شود و می تواند از 4 تا 10 سال زندان بهمراه داشته باشد. حتی اگر مثله دختر در خارج از سوئد انجام شده باشد. با پایان یافتن سال تحصیلی و نزدیک شدن تابستان، خطر جدی مواجهه دخترانی که همراه خانواده سفر میکنند، سیر سعودی پیدا میکند.

قطع اعضای تناسلی زنان (اعم از کودک، نوجوان و جوان) در بیش از 30 کشور آفریقایی و آسیایی انجام می شود. بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی تا به امروز بیش از 120 میلیون کودک و نوجوان بوسیله افراد مذهبی و مسن در

طبق گزارش روزنامه نورشوپینگ در تاریخ 10 جون 2014، نزدیک به 60 دختر جوان بعد از ماه مارس امسال مثله - "ختنه دختران" شده اند! فقط در یکی از کلاسهای مدرسه، 28 مورد مثله دختران از خطرناکترین فرم این نوع از خشونت گزارش شده است.

روزنامه نورشوپینگ مینویسد: آمار مثله دختران جوان توسط بهداری مدرسه بدست آمده است. در همین رابطه، اداره خدمات اجتماعی نورشوپینگ کارکنان ویژه بیشتری را جهت کمک به دختران جوان در نظر گرفته است.

مبارزه با فحشاء

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به باز یابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!



سیاوش دانشپور

بربریت اسلامی! زنان و سناریوی سیاه!

مشکل بود اما تصور سکوت بیش‌رمانه در باره موقعیتی که به زنان در این گوشه دنیا تحمیل شده است مشکل تر است. رسانه‌ها عموماً راجع به پیش‌روی و عقب نشینی نیروهای درگیر مینویسند، از خطر "تجزیه عراق" می‌گویند، از امکاناتی که این تحولات برای جنبش اسلامی و ناسیونالیستی فراهم کرده حرف می‌زنند، و خلاصه ظاهراً منافع قسمتی و قومی و مذهبی و ضد انسانی شان حکم میکند که در قبال کل فاجعه‌ای که در جریان است سکوت شود. شما شاهد نیستید که دولتهای فخریه "بشر دوست" و نهادهای بین المللی و "حقوق بشری" و یا سازمان ملل در قبال این فجایع چیزی بگویند و در همان سطح فرمال از حقوقی که مدعی دفاع از آنند کاری نکنند. کسی راجع به این بربریت اسلامی تحمیل شده به زنان چیزی نمی‌گوید. شاید فکر میکنند که مردم این منطقه "مسلمان" هستند، "فرهنگ" شان فرق میکند، "جهاد نکاح" در اسلام منظور شده و بهتر است در آن "دخالت" نکنند! البته نه فقط مردم منتسب به مسلمان در این جهنم می‌سوزند، بلکه شهروندان منتسب به مسیحی بدلیل "مسلمان نبودن" باید جریمه بدهند و کسانی که توان جریمه دادن ندارند کشته میشوند!

آنچه در عراق و کشورهای غرق شده در سناریوی سیاه از جمله به زنان حاکم شده است، انتقام از تلاش انسان امروز برای آزادی و رفع تبعیض است. بشریت آزادیخواه جهان، جنبش طبقه کارگر که تاریخاً لنگر آزادی و رفاه و حقوق و حرمت فردی و اجتماعی بوده است، جنبش آزادی زن در منطقه که با اسلام

صفحه ۷

"جهاد نکاح" در اسلام "حلال" است. بعد زن اسیر در اختیار گروهی از جهادگران قرار می‌گیرد. در طول روز پانزده تا بیست تروریست وحشی و آدمکش به زن اسیر تجاوز میکنند. تاکنون تعدادی از زنان برای خلاصی از این اوضاع دست به خودکشی زدند. تعداد دیگری بعد از تجاوزهای متوالی جان خود را از دست دادند و یا توسط جهادگران به قتل رسیدند. عده‌ای نیز وادار به عملیات انتحاری شده‌اند!

تصور چنین بربریتی در قرن بیست و یکم مشکل است اما واقعیت دارد. این اتفاق در عراق هر دقیقه رخ میدهد و قربانی می‌گیرد. جانی که علیرغم هر کمبودی بالاخره زنان هویتی داشتند، میتوانستند درس بخوانند و کار کنند، و مسیر زندگی شان را با تمام مشکلات دنبال کنند. اما حالا بعنوان "کنیز" و اسیر وادار به دادن سرویس جنسی به جهادگران اسلام شدند و عمر مفیدشان شاید چند هفته باشد. این بربریت اسلامی قرن بیست و یکمی است. بربریتی که قدرت و اسلحه و نفس وجودش را مدیون دول غربی و در راس آنها آمریکا و متحدینش منطقه‌ای مانند عربستان و ترکیه است. داعش و القاعده و طالبان و جمهوری اسلامی و بوکوحرام و امثالهم ساخت مستقیم غرب و از محصولات جنگ و رقابت سرمایه‌داری اند. لذا مسئولیت کل این فجایع و جنایات جنگی نیز بعهدہ کسانی است که عراق را به نابودی کشاندند و دنیا را به محل جنگ و مسابقه تروریستی بدل کردند.

تصور این بربریت در دنیای امروز

زنان اولین قربانیان سناریوی سیاه هستند. هرچا اسلاميون بقدرت میرسند، اولین اقدامشان جاری کردن قوانین شریعه و حاکمیت شلاق و آپارتاید و انکار هویت فردی و اجتماعی زنان است. زنان در ایران و عربستان و کشورهای اسلام زده توسط حکومتها به موقعیت شهروندان درجه چندم تنزل یافته‌اند و در مواردی حتی هویت انسانی شان انکار میشود. اما هنوز جاری بودن قوانین شریعه با اوضاع سناریوی سیاهی فرق داد. عراق را نگاه کنید! البغدادی مدعی جدید "خلافت اسلامی" بعنوان "خلیفه مسلمانان" دستور داده است که زنان باید وارد "جهاد نکاح" شوند. به همین اعتبار تروریست‌های داعش در موصل و شهرهایی که به تصرف خویش درآورده‌اند، از بلندگوهای مساجد اعلام میکنند که هر خانواده حداقل باید یک زن "باکره" به جهادگران اسلامی تقدیم کند. هر نوع سرپیچی از این "فتوای اسلامی" موجب تیرباران جمعی خانواده مزبور خواهد شد! یکی از همین آدمکشان اسلامی را نیز بعنوان رئیس "دادگاه ویژه" گذاشته‌اند که وظیفه قتل عام خانواده‌هایی را بعهدہ دارد که تن به فرمان داعش نداده‌اند.

جهادگران در بسیاری موارد بربرمنشانه به منازل مردم هجوم بردند و دختران و کودکان را به "غنیمت" گرفتند. این زنان و کودکان بخت برگشته بعد از تجاوزهای مکرر توسط جهادگران به قتل میرسند. لذا بسیاری خانواده‌ها زندگی شان را گذاشته‌اند و فرار کرده‌اند. بخشی دستگیر شدند و به فجیع‌ترین شیوه قتل عام شدند. آنهایی که از وحشت کشته شدن دستجمعی به فرمان "جهاد نکاح" تن داده‌اند، وضعیت مناسب تری ندارد. ابتدا به زن اسیر می‌گویند که این

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

لجنزار سناریوی سپاه گرفتار شده اند، نقشه راه بازگرداندن بشریت به دوران بربریت است. با ایجاد کانونهای دائمی بحران به سناریوی جنگ و نفرت مذهبی و قومی دامن میزنند. این گانگسترهای اسلامی و قومی اما ابزارهای یک جنگ بزرگتر دولتها و رقابتهای قدرتهای سرمایه داری در دنیای امروز اند. سرمایه داری آینده هولناکی را برای بشریت کارگر و محروم تدارک دیده است.

بشریت آزادیخواه جهان نباید این بربریت را قبول کند و ضروری است که علیه بانیان دولتی و غیر دولتی آن بمیدان بیاید. این رویدادها بیش از هر زمان به نیاز عروج کمونیسم بعنوان یک آلترناتیو قدرتمند اجتماعی برای تغییر جهان تاکید میکنند! *

به نقل از کمونیست هفتگی شماره 239

بربریت اسلامی! زنان و سناریوی سپاه ...

کل لجن تاریخ یکجا سرریز کند.

سیاست متمدنانه اجتناب از سناریوی سپاه و مصون شدن در قبال آن، یک نقطه عزیمت اجتماعی و انسانی و آزادمشنانه دارد که تلاش میکند دستاوردهای تکنونی تلاش نسلهای پی در پی را حفظ کند و راه پیشرفت بسوی یک آینده آزاد را به اختیار و انتخاب و تصمیم فردی و جمعی شهروندان موکول کند. اوضاع اینروزهای عراق و سوریه و لیبی و نیجریه و افغانستان که در

سیاسی و قوانین اسلامی ضد زن درگیر است، این رویدادها را باید جدی بگیرند و پاسخی درخور به آن دهند. مردم آزادیخواه و جنبش های اجتماعی و برابری طلب در ایران و مشخصا جنبش آزادی زن باید این صحنه های دهشتناک را بعنوان محصولات جانبی سناریوی سپاه ببینند و در استراتژی مبارزاتی خود علیه ارتجاع اسلامی ملحوظ کنند. زنان در جنگهای کلاسیک هم همواره قربانی تجاوز و جنایت جنگی بوده اند. اما سناریوی سپاه وضعیت بمراتب سپاه تری را برای زنان تدارک میبیند و اجازه میدهد که



از سایت جدید سازمان آزادی زن دیدن کنید!

www.azadizan.org



برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!

بیانیه سازمان آزادی زن

حجاب سر درد رژیم اسلامی

مبارزه زنان علیه حجاب اسلامی، ترفند های رژیم اسلامی!

مبارزه زنان علیه حجاب اسلامی هر روز گسترده تر می شود. 35 سال است که رژیم اسلامی دائماً برای تحمیل حجاب اسلامی به زنان جان می کند. از همان اوان به قدرت رسیدن، رژیم اسلامی مبارزه برای کشیدن حجاب اختناق بر سر جامعه را با کشیدن حجاب اسلامی بر سر زنان همراه کرد. حجاب و آپارتاید جنسی یک رکن مهم و پایه ای اسلام است. لیکن قدرت یابی جنبش اسلامی در ایران، به حجاب و آپارتاید جنسی بعدی سیاسی – ایدئولوژیک بخشید و حجاب را به بیرق این جنبش سیاه بدل کرد. مبارزه علیه آزادی با مبارزه برای برقراری آپارتاید جنسی در جامعه و بردن زنان زیر حجاب اسلامی آمیخته شد. اکنون پس از سی و پنج سال، یورش به زنان برای محکم کردن حجاب به نرم تحرکات رژیم اسلامی بدل شده است. گشودن افسار وحوش حزب الهی و بسیج و انداختن آنها به جان زنان و دختران نوجوان یک امر دائمی این حکومت است.

علیرغم آنکه یک حکومت اسلامی بیش از سه دهه بر جامعه حکم رانده است، با وجود اینکه تبلیغ خرافات اسلامی هر روزه و هر ساعت از رسانه ها و در مدارس پخش می شود و علیرغم هجوم دائمی و وحشیانه به زنان، رژیم اسلامی نه تنها موفق نشده که حجاب را به یک نرم در جامعه بدل کند، بلکه هر روز با ترفند جدیدی از طرف جنبش آزادی زن روبرو می شود. ابتکارات فردی و جمعی زنان در به ریشخند گرفتن حجاب اسلامی تحسین برانگیز است. پوشش زنان در جامعه به یک جبهه دائمی جنگ بدل شده است. اگر کسی نداند که در ایران حجاب اجباری است، پوشش بخش وسیعی از زنان را بعنوان حجاب نخواهد دید، به آن بعنوان یک مد جدید نگاه خواهد کرد. در ابتدا فسیل های از گور برخاسته اسلامی از حجاب سیاه سخن می گفتند؛ با روبرو شدن با مبارزات زنان و مقاومت آنها، به مانتو و شلوار و چارقد رضایت دادند. اینهم مشکل شان را حل نکرد. سعی کردند هر نوع نماد مد و مدرنیسم را ممنوع کنند، از شلوار جین، عینک آفتابی تا چکمه. زنان این فاز را نیز درنوردیدند.

سال پیش تصاویر زنان امر به معروفی کتک خورده وسیعاً منتشر شد. صحنه های کتک زدن این مفلوکان و کشیده شدن حجاب از سر آنها گسترده شد و کار به ضرب و شتم آخوندها رسید. با مواجهه با این وضعیت خامنه ای و روحانی به ماموران منکرات دستور دادند که حساب شده کار کنند. بتازگی سر و صدای آخوندها در آمده که در برخی محلات زنان بی حجاب آمد و شد می کنند. زنان در تهران و برخی شهرهای دیگر بی حجاب در ماشین ها می نشینند. عکس زنان بی حجاب در خیابانها پخش میشود. زنان عصیان خود علیه حجاب اسلامی، برای روبیدن قیود اسلامی و برای خلاصی فرهنگی را به مرحله دیگری برده اند. این واقعتاً جامعه ایران است. بیش از هر زمانی "وصله ناجور" بودن این رژیم با جامعه ایران آشکار تر می شود.

حال که رژیم با این سرپیچی آشکار و استقامت زنان و جنبش آزادی زن روبرو شده است، دو جناح آن هر یک ترفندهای خود را برای مقابله با جنبش آزادی زن علم کرده است. بیست سال است که دو جناح رژیم هر یک بطریق خود برای حفظ رژیم و "بیضه" اسلام می کوشند. باصطلاح جناح "راست" به قشری گری محض روی می آورد و اعلام می کند که هیچ سر پیچی و هیچگونه نماد "غربی گری" را نخواهد پذیرفت؛ تظاهرات زنان و مردان حزب الهی در روزهای اخیر با شعار رعایت حجاب سفت و سخت و اعتراض به بی حجابی و "بد حجابی" از ترفندهای این جناح است. اصلاح طلبان حکومتی و جریان ملی – اسلامی نیز با تلاش برای آب ریختن به خواستهای زنان و زدودن رادیکالیسم از تحرکات زنان بنوبه خود برای حفظ رژیم و اسلام می کوشند. این نقش جریان ملی – اسلامی و اصلاح طلب حکومتی است. کارنامه باصطلاح "کنشگران" عرصه زنان ملی – اسلامی مملو از تحرکات و ترفندهای این چنینی است. ترفند جدید هم ابداع نام "آزادیهای یواشکی" برای جنبش وسیع و علنی مبارزه علیه حجاب است. می اندیشند که می توانند برای مدتی هم که شده مبارزه را از خیابانها به گوشه های دنج و خلوت ببرند؛ تصور می کنند که شاید زنان باین ترتیب خشم و عصیان خود را خالی کنند و "سر برآه" شوند؛ خیال می کنند می توانند سر زنان را مدتی گرم کنند؛ خیال می کنند!

جنبش آزادی زن جنبشی عمیق و توده ای است. جنبش آزادی زن آنتی تز جنبش اسلامی است. جنبش آزادی زن یک رکن اساسی و تعیین کننده جنبش سرنگونی رژیم است. باید این جنبش را هر چه بیشتر تقویت و تحکیم کرد. مبارزه علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی یک جبهه مهم مبارزه علیه رژیم اسلامی است. سازمان آزادی زن خود را بخش لایتجزای این جنبش می شناسد. سازمان آزادی زن با تمام قوا برای پیروزی این جنبش مبارزه می کند. تلاش موفق برای پیروزی مستلزم شناختن هر دست انداز و چاله ای است که این رژیم و نعلین بوسهای ملی – اسلامی آن در مقابل این جنبش ایجاد می کنند. تقویت ماهیت رادیکال و سرنگونی طلبانه آن یکی از ارکان اصلی مبارزه پیروزمند است. سازمان آزادی زن از هر تلاش زنان برای مقابله با رژیم اسلامی و مظاهر ارتجاعی و قیود اسلامی با تمام قوا حمایت می کند. آزادی زن تنها با سرنگونی رژیم اسلامی امکانپذیر می شود.

زنده باد آزادی و برابری!
نه به حجاب اسلامی!

سازمان آزادی زن
18 مه 2014

به سازمان آزادی زن پیوندید!